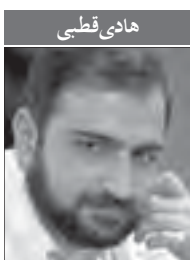


در این دهکده، خانه غرب فرومی‌ریزد

دهکده ما

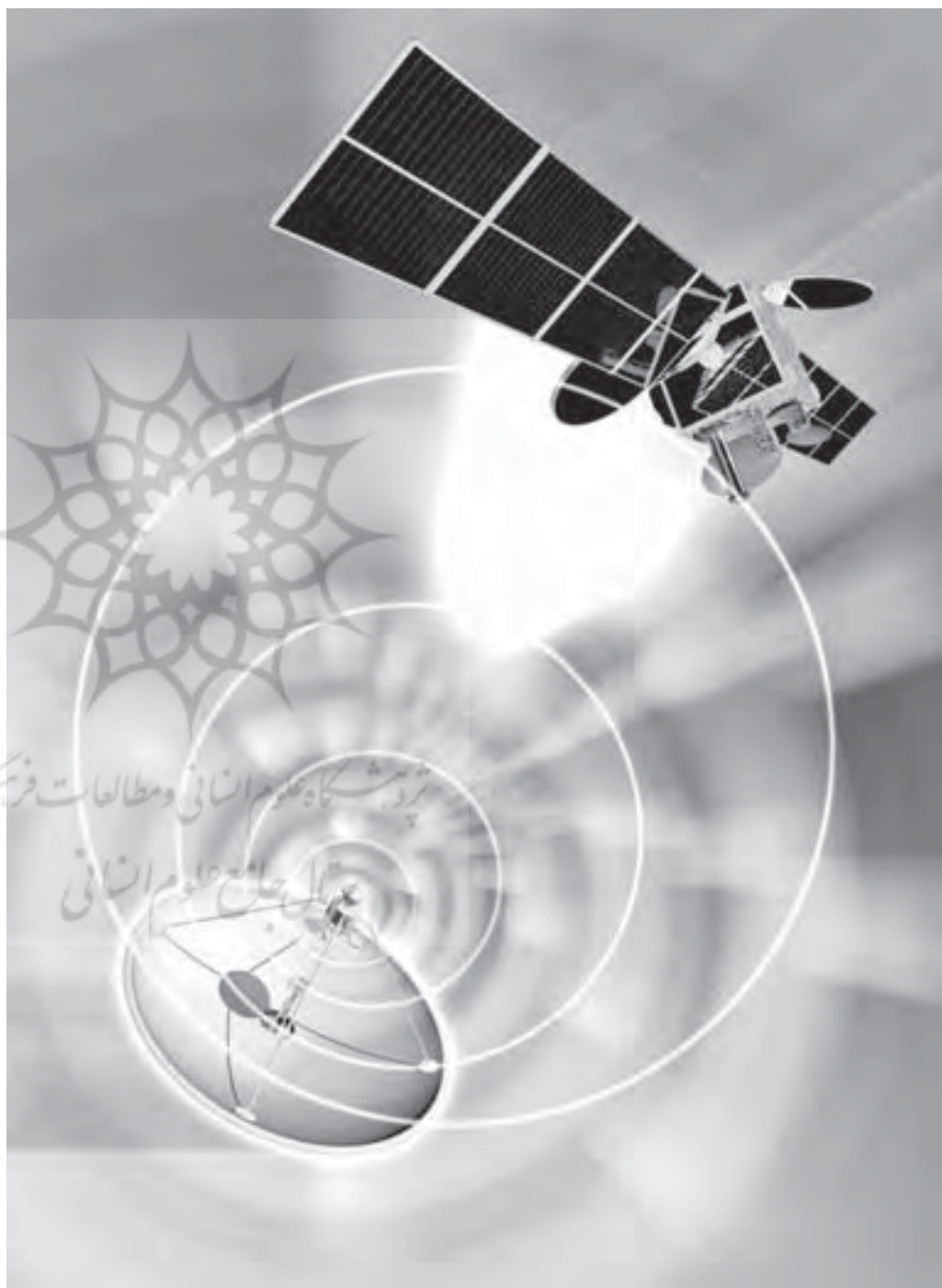


هادی قطبی

غرب، دهکده جهانی، جهان بی مرز، علم غربی، بشر جدید، پیشرفت و توسعه، فن آوری، فرهنگ رسانه‌ای و واژگانی از این دست، آمیخته و از هم ناگسسته‌اند. همان کسی که از جهانی شدن خبر داد، ما را به قدرت رسانه‌ای نیز رهنمون شد. در این میان عده‌ای به خوبی دریافتند که باید خانه خود را در دامنه آتشفشان بنا نهند؛ اگر نه، آن که گمان می‌کند این سیل همه را با خود می‌برد، خواهد رفت؛ از هر کیش و قوم و مذهبی که باشد.

این عده، شهروندانی مطیع برای دهکده جهانی نیستند و از همین رو از تهدید سیل، فرصتی برای جرأت و شجاعت و مقاومت یافته‌اند. «دهکده جهانی واقعیت پیدا کرده است، چه بخواهیم و چه نخواهیم و ماهواره‌ها مرزهای جغرافیایی را انکار» و شرایط را برای تحقق یک دهکده که لازم‌هاش پذیرش فرهنگ واحد است، فراهم کرده‌اند. «هر فرهنگ آن‌چنان که در علم ارتباطات می‌گویند، نسبت به جهان آفرینش دارای نگرش و تبیین خاصی است و لذا تعبیر دهکده جهانی لامحاله بدین معناست که ساکنین این دهکده واحد، شریعت واحدی را نیز پذیرفته‌اند... جهان بینی مهم‌ترین حوزه‌ای است که نظام فرهنگی را صورت می‌بخشد. همین جهان‌بینی است که با تبدیل شدن به نشانه‌ها و علائم قابل انتقال سمعی یا بصری، عنوان اطلاعات پیدا می‌کند.»

بیش از یک قرن است که قواعد و اصول





جهانی شدن امریکایی در سراسر زمین حکم فرماست و کم‌تر جایی را - به برکت ماهواره - می‌توان یافت که از دستاورد و فن‌آوری غربی در امان مانده باشد. هیچ کدام از ملت‌ها نتوانسته است در زبان، فرهنگ، معماری، هنر، حیات اجتماعی و فردی خویش، خود را از تأثیرات تمدن غربی مصون نگه دارد.

درست در اوایل دههٔ هشتاد میلادی، زمانی که روبات‌ها عاشق یکدیگر می‌شوند و تلویزیون‌ها به کودکان آموزش سکس می‌دهند و گوسفندهایی با سر انسان و انسان‌هایی با سر خوک

به دنیا می‌آیند و روبات‌های مطیع دست بشر برای ترور ساخته می‌شوند و قرار بر این می‌شود که جای سربازان نرم پوست را در نبردهای نظامی بگیرند و جاسوسانی کم‌تر از یک میلی‌متر با نام مورچه‌های رباتی به مراکز حساس نظامی، سیاسی و فرهنگی فرستاده شوند و ماشین - برای حکومت برترین‌ها - جای خود را به انسان دهد و... میلیون‌ها نفر از خانه‌ها بیرون ریختند و فارغ از معادلات و ملاحظات غریزی مربوط به حیات، به استقبال مرگ رفتند و سینه در برابر گلوله سپر کردند. مردم چه می‌خواستند؟ جز آن چه را که با عقل حاکم بر دنیا سازگار نبود: «حکومت اسلامی» ای که الگویش مربوط به سیزده قرن پیش می‌شد. آنان این پیام را از کدام رادیو و تلویزیون این دهکده گرفته بودند؟ غرب این حرکت را ارتجاع یا بنیادگرایی یا هر چیز دیگری که بنامد، مهم آن است که نشان داده شد «حصارهای اطلاعاتی قابل اعتماد نیستند».

اگر کنترل و ویدیو، تلویزیون و ماهواره برای ما چندان آسان نباشد، برای غرب نیز چنین است، و این یعنی: عارضی بودن غرب‌زدگی. غرب‌زدگی بیش‌تر به ضعف اقوام و ملل باز می‌گردد تا به قدرت غرب. هوشیاری در مقابله با ابزارها و ساز و کارهای جهانی شدن و راه‌های شهروند خوبی برای دهکده شدن، می‌تواند پرده

از ماهیت پوشالی و ساختگی غرب، کنار زند. وقتی حصارهای اطلاعاتی فرو ریزد، مردم جهان خواهند دید که این دژ به ظاهر مستحکم، بنیان‌هایی بسیار پوسیده دارد که به تلنگری فرو خواهد ریخت. قدرت غرب، استقرار یافته بر نادانی است و آگاهی‌های جمعی که انقلاب‌ها هستند به یکباره

روی می‌آورند؛ همچون «انفجار نور». «شوروی تا آن‌گاه که فصل فروپاشی‌اش آغاز نشده بود، خود را قدرتمند و یکپارچه نشان می‌داد و غرب نیز آن را دشمنی بزرگ در برابر خویش می‌انگاشت. تنها بعد از فروپاشی بود که

باطن پوسیده و از هم گسیخته شوروی آشکار شد. اکنون نیز در غرب همه چیز تفاوت یافته است. مردم با اضطرابی که از یک عدم اطمینان همگانی برمی‌آید به فردا می‌نگرند... و مأموریت مهم رسانه‌ها از همین جا و از مدت‌ها پیش آغاز شده است؛ سیاستمداران هالیوود بر آنند تا با معرفی منجی دروغین، روح امید را در مردم بدمند.

تسلط و سیطرهٔ غرب بر جهان به تدریج از میان خواهد رفت. ما از نقطه عطف تاریخ گذشته‌ایم و از این پس به سمت فروپاشی تمدن غرب می‌رویم و تفکر الهی - معنوی خودآگاهی است که در سراسر گیتی مردم را جذب می‌کند. ... عصر دیگری آغاز شده است. باید خانه را در دامنه آتشفشان بنا کرد...

منابع

۱. علی تاجدینی، استعارات تأویلی (پژوهشی در اندیشه‌های ادبی شهید سید مرتضی آوینی)، تهران، میناق، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲. مرتضی آوینی، رستاخیز جان، تهران، ساقی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
۳. آلبین و هیدی تافلر، جنگ و پادجنگ (زنده ماندن در سپیده دم سده بیست و یکم)، تهران، اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۴. VCD انفجار اطلاعات، روایت فتح، ۱۳۸۳.

بیش از یک قرن است که قواعد و اصول جهانی شدن امریکایی در سراسر زمین حکم فرماست و کم‌تر جایی را - به برکت ماهواره - می‌توان یافت که از دستاورد و فن‌آوری غربی در امان مانده باشد. هیچ کدام از ملت‌ها نتوانسته است در زبان، فرهنگ، معماری، هنر، حیات اجتماعی و فردی خویش، خود را از تأثیرات تمدن غربی مصون نگه دارد.